

## ویژگی‌های روان‌سنجی سؤال‌های پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بر اساس نظریه سؤال- پاسخ<sup>۱</sup>

سپیده نیک‌زاد\*  
اصغر مینائی\*\*  
فریبا حسنی\*\*\*

### چکیده

شرط اصلی استفاده از پرسشنامه‌ها، روایی و اعتبار آنهاست. در این پژوهش، ویژگی‌های روان‌سنجی سؤال‌های پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بر اساس نظریه سؤال- پاسخ بررسی شده است. جامعه پژوهش، ۵۷۶ نفر از مادران دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهر تهران است که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. این پژوهش، با توجه به ماهیت موضوع و اهداف آن، تحقیق توصیفی بر اساس روش‌های روان‌سنجی است. در برازش مدل‌های نظریه سؤال- پاسخ با سؤال‌های پرسشنامه و برآورد سطح دشواری و ضریب تشخیص پرسش‌ها به تفکیک خرده مقیاس‌ها، از بسته eRm و ltm در نرم‌افزار R استفاده شد. یافته‌ها نشان داد مدل پاسخ مدرج در مقایسه با مدل امتیاز پاره‌ای، با سؤال‌های پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری برازش بهتری داشته است. نتایج برآورد پارامترهای پرسش و منحنی‌های ویژگی پرسش، نشان داد پرسش‌های (۱۷، ۲۱ و ۲۴) از شیوه فرزندپروری آزادگذار، پرسش‌های (۴ و ۱۱) از شیوه فرزندپروری اقتدار منطقی و پرسش‌های (۱۲ و ۱۸) از شیوه فرزندپروری استبدادی دارای میزان مطلوبیت پایینی بوده‌اند.

**واژگان کلیدی:** ویژگی‌های روان‌سنجی، شیوه‌های فرزندپروری بامرید، نظریه سؤال- پاسخ

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۵/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۰/۲۷

۱. این مقاله از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول، استخراج شده است.

\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد سنجش و اندازه‌گیری- روان‌سنجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

(نویسنده مسئول: [nikzad\\_sepideh@yahoo.com](mailto:nikzad_sepideh@yahoo.com))

\*\* استادیار گروه سنجش و اندازه‌گیری دانشگاه علامه طباطبائی

\*\*\* استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

## مقدمه

یکی از مشکلاتی که والدین با آن روبرو هستند، آگاهی نداشتن از چگونگی شیوه‌های تربیتی و شیوه‌های مناسب تربیت است. خانواده مهم‌ترین و اساسی‌ترین سازمان است که شخصیت کودک در آن شکل می‌گیرد. خانواده اولین پایه‌گذار شخصیت و ارزش‌ها و معیارهای فکری است که نقش مهمی در تعیین سرنوشت و سبک و خط مشی زندگی آینده فرد دارد و اخلاق و صحت و سلامت روانی فرد تا حدود بسیار در گرو آن است (احدی و نیک‌چهره، ۱۳۸۶، ۱۲۴). شیوه‌های فرزندپروری، روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به‌کار می‌برند و بیانگر نگرش‌هایی است که آنها به فرزندان خود دارند و همچنین شامل معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می‌کنند. در عین حال، رفتارهای فرزندپروری به‌واسطه فرهنگ، نژاد و گروه‌های اقتصادی تغییر می‌کند. روش‌هایی که والدین در تربیت فرزندان خود به‌کار می‌گیرند، نقشی اساسی در تأمین سلامت روانی فرزندان آنها خواهد داشت به‌طوری که بیشتر مشکلات رفتاری کودکان منعکس‌کننده شرایط پیچیده بین فردی اعضای خانواده به‌ویژه والدین است. به عبارت دیگر، وجود مشکلات رفتاری کودک به‌منزله روابط معیوب اعضای خانواده با یکدیگر است و با روش‌های تربیتی نادرست والدین و تعاملات معیوب آنها با فرزندان ارتباط دارد. شیوه‌های فرزندپروری، نحوه برخورد والدین با فرزندان و احساسات و علاقه آنها به یکدیگر و چگونگی دخالت کردن یا دخالت نکردن آنها در کارهای مهم و همکاری با آنهاست. شیوه‌های فرزندپروری روش‌هایی هستند که والدین در برخورد با فرزندان خود اعمال می‌کنند و در شکل‌گیری رشد آنان در کودکی و ویژگی‌های بعدی شخصیتی و رفتاری آنان تأثیر فراوان و عمیقی دارد. این امر مستلزم اصلاح روش‌های تربیتی است (شریعتمداری، ۱۳۸۴) در شیوه تربیتی مقتدرانه که مناسب‌ترین روش فرزندپروری است، والدین مقتدر درخواست‌های معقولی برای پختگی دارند و این درخواست‌ها را با تعیین محدودیت‌ها و اصرار به اینکه کودک باید از آنها تبعیت کند، به اجرا می‌گذارند، در عین حال آنها صمیمیت و محبت نشان می‌دهند، صبورانه به نقطه‌نظرهای فرزندان گوش می‌دهند و مشارکت در تصمیم‌گیری خانوادگی را ترغیب می‌کنند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵، ۱۶۰)

بامریند<sup>۱</sup> که معروف‌ترین شیوه‌های فرزندپروری خانواده را ارائه داده است، شیوه‌های فرزندپروری را شامل شیوه استبدادی، آزادگذاری و اقتدار منطقی می‌داند. در شیوه استبدادی، والدین بر کنترل کودک و فرمان‌برداری او تأکید دارند، آنها خودساختاری کودک را محدود می‌کنند و رفتار مناسب را برای آنها تعیین می‌کنند. این والدین از اصول اجباری طرفداری می‌کنند و معمولاً خواستار تابعیت بدون چون و چرا هستند. در شیوه آزادگذاری مطلق، والدین از اعمال هرگونه سخت‌گیری و کنترل اجتناب می‌کنند و به فرزندان خود اجازه می‌دهند برای خود تصمیمات زیادی بگیرند. شیوه‌های استبدادی و آزادگذاری مطلق در دو سوی یک پیوستار و شیوه اقتدار منطقی بین این دو قرار دارد. والدینی که این شیوه را به کار می‌برند توجه خوبی به فرزند خود نشان می‌دهند، میزان کنترل متوسط بوده و به کودکان خود اجازه می‌دهند به‌طور فزاینده‌ای خودمختار باشند (کمپین، اسمتانا، نیکول و جودیت<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). بامریند (۱۹۶۷، ۱۹۷۱، ۱۹۷۷) اثرات ناشی از کنترل سبک فرزندپروری والدین را بر رشد و تحول کودک بررسی کرده است. گروهی از والدین و کودکان آنها مورد مشاهده قرار گرفتند و با والدین نیز مصاحبه‌ای به عمل آمد و بر اساس آن، بامریند سه نوع کنترل والدین را مطرح کرد. در شیوه استبدادی، والدین محدودکننده هستند و انتظار دارند کودک از مجموعه قوانین آنها فرمان‌برداری کند؛ در نتیجه کودک، ترسو، ناراحت، خشن، غیر دوستانه و آسیب‌پذیر و روی هم رفته فردی تندخو و ناسازگار می‌شود. در شیوه مقتدرانه، محدودیت‌هایی بر کودک اعمال می‌شود و از او انتظار می‌رود که از آنها اطاعت کند، اما منظور از همه موارد فوق برای کودک توضیح داده شده و توجیه می‌شود. والدین در برابر نیازهای کودک مسئول‌اند در نتیجه کودک، دارای اعتماد به نفس، همکاری‌کننده، مهربان و خوش‌رو بوده، تمایل به کسب موفقیت و کنجکاوی دارد. روی هم رفته کودک پارانرژی و مهربان است. در شیوه آزادگذار، کودک بر آزادی بیان و رفتار مجاز است و قوانین و درخواست‌های کمی بر وی تحمیل می‌شود. در نتیجه کودک، سرکش، تکانشی و پرخاشگر شده و خودکنترلی و موفقیت‌های کم است. روی هم رفته کودک تکانشی و پرخاشگر می‌شود (کارول براون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸، ۸۹). پژوهش‌هایی نیز بر اساس نظریه کلاسیک در مورد این ابزار

1. Baumrind

2. Campione & Smetana & Nicole & Judith

3. Carol Brown

صورت گرفته است؛ از جمله در پژوهشی با عنوان "رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین و کمرویی با خلاقیت در تیزهوشان" به منظور سنجش فرزندپروری، از پرسشنامه بامریند استفاده شد. اعتبار پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ، مقدار ۰/۷۴ برای الگوی استبدادی، ۰/۷۲ برای الگوی اقتدار منطقی و ۰/۷۶ برای الگوی آزادگذار به دست آمد (فراهینی، افروز، رسول‌زاده طباطبایی، ۱۳۹۲، ۱۴۳). همچنین توستون هیل<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) در پژوهش خود که دانشجویان نگرش خود را به شیوه‌های فرزندپروری پدر و مادر به‌طور جداگانه بیان کردند، با روش تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل عاملی اکتشافی، داده‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، در بررسی ساختار عاملی تأییدی مقیاس شیوه‌های فرزند پروری بامریند، کمترین بار عاملی در پاسخ‌های مادران، مربوط به ماده (۸) و در پاسخ‌های پدران، مربوط به ماده (۲۴) بود که نیاز به بازبینی داشته‌اند. شاخص‌های برازش خرده مقیاس‌های شیوه‌های فرزندپروری در وضعیت نسبتاً ضعیفی قرار داشت و نتیجه تحلیل عاملی اکتشافی روی پرسش‌های مقیاس نشان داد مدل سه‌عاملی فرزندپروری، شامل استبدادی، اقتدار منطقی و آزادگذار، بهترین تفسیر را از داده‌ها داشته‌اند (توستون‌هیل، ۲۰۱۱، ۴۹). پژوهش‌های الخاروسی و همکاران<sup>۲</sup> نیز با موضوع بررسی توسعه و اعتبار نسخه کوتاه پرسشنامه اقتدار والدین روی والدین دانش‌آموزان مقطع متوسطه انجام شد. نتایج نشان داد که پرسشنامه ۲۰ آیتمی در مقایسه با پرسشنامه ۳۰ آیتمی در همه زیرمقیاس‌ها از روایی و اعتبار بهتری برخوردار بود (الخاروسی و همکاران، ۲۰۱۱، ۱۱۹۳). همچنین در پژوهشی که مادران دانش‌آموزان ابتدایی شهر تهران نگرش خود را در مورد شیوه‌های فرزندپروری بیان کردند نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش عامل‌یابی محورهای اصلی و تحلیل عاملی تأییدی، نشان داد در روش عامل‌یابی محورهای اصلی، ماده ۲۴ روی عامل دیگری بار شد و ماده‌های ۸، ۱۷، ۲۱ روی هیچ عاملی بار نداشتند. شاخص‌های برازش در تحلیل عاملی تأییدی نیز نشان داد این مدل در مقایسه با پرسشنامه ۳۰ آیتمی، با داده‌ها برازش بهتری دارد. همچنین اعتبار پرسشنامه با استفاده از آلفای طبقه‌ای ۰/۶۵ برآورد شد (نیک‌زاد، ۱۳۹۵).

یکی از پرکاربردترین ابزارها، در زمینه سنجش شیوه‌های فرزندپروری، پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند است. این ابزار، اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین

1. Toston Hill

2. Alkharusi et al

که بر اساس نظریه بامریند از آزادگذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی والدین برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزندپروری ساخته شده است. به دلیل کاربردهای متعدد پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری در بیشتر پژوهش‌های علوم تربیتی، به ارزیابی کیفیت و دقت اندازه‌گیری این ابزار نیاز است. شناخت توانمندی‌ها و ناتوانایی‌ها و مشکلات تربیتی موجود در خانواده نیازمند ابزاری است که بتواند نگرش تربیتی والدین را از ابعاد مختلف بازبینی و تحلیل کند و مشکلات به وجود آمده را شناسایی کند تا بدین ترتیب یک درمانگر بتواند راهکارهای مناسب برای حل مشکل ارائه کند. علیرغم پژوهش‌های متعددی که با استفاده از نسخه فارسی این پرسشنامه در ایران صورت گرفته است، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن به‌خصوص بر اساس مدل‌های IRT<sup>۱</sup> محدود است. درواقع، بر اساس مطالعات انجام شده هیچ پژوهشی در زمینه ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی این پرسشنامه با استفاده از مدل‌های نظریه سؤال - پاسخ صورت نگرفته است. در صورتی که آزمون‌ها از ویژگی‌های علمی و محتوای مناسب برخوردار نباشند به جای تأمین نیاز کاربران باعث اتخاذ تصمیمات نادرست خواهند شد. از یک طرف به دلیل محدودیت‌ها و کاستی‌های موجود در روش‌های گذشته و از سوی دیگر به دلیل رشد فناوری، نظریه‌های جدید اندازه‌گیری ارائه شد (هومن، ۱۳۸۶). از آنجایی که سنجش به وسیله پرسش‌های آزمون‌ها صورت می‌گیرد قبل از هر چیز لازم است این پرسش‌ها به خوبی شناخته شده و پارامترهای آن با دقت برآورد و تفسیر شوند تا مشخص شود این پرسش‌ها چه ویژگی‌هایی دارند و آیا ابزار مناسبی برای سنجش عوامل مورد نظر هستند یا خیر؟ دیگر آنکه کارکرد آنها در آزمون‌ها به چه نحوی است؟ تا با تفسیر صحیح نتایج بتوان به قضاوت و تصمیم‌گیری صحیح‌تری دست یافت. علیرغم برتری‌های نظریه سؤال - پاسخ، تحلیل‌های نسبتاً کمی با استفاده از این نظریه روی پرسشنامه‌های چندارزشی صورت گرفته است. به‌رغم تلاش‌های فراوان و ارزنده‌ای که در کشورهای اروپایی و آمریکایی طی چند دهه اخیر در مورد مبانی نظری و کاربردهای عملی آزمون‌سازی صورت گرفته و به ارائه نظریه‌های جدید اندازه‌گیری از جمله نظریه سؤال - پاسخ منجر شده است، متأسفانه در جامعه علمی کشورمان این نظریه و روش‌های آن تاکنون نه‌تنها کاربردی نیافته بلکه در حد کفایت هم شناخته نشده است. این در حالی است

1. item response theory

که موقعیت‌های عملی متعددی پیش می‌آید که ناگزیر باید از مدل‌های IRT استفاده شود. در حال حاضر نیز از این مدل‌ها به‌طور گسترده‌ای در خارج و به‌طور محدودتری در ایران در رابطه با آزمون‌های پیشرفت تحصیلی و استعداد استفاده می‌شود، در حالی که از این نظریه در مورد پرسشنامه‌های نگرش، شخصیت و خانواده در داخل کشور به‌ندرت استفاده شده است. در حوزه سنجش نگرش و شخصیت با پرسش‌های چندگزینه‌ای به‌صورت طبقات چندگانه مرتب شده وجود دارند که در آن مدل‌های سؤال-پاسخ چندارزشی مورد نیاز است تا بین سطح صفت آزمودنی و احتمال پاسخ دادن به یکی از طبقات به‌صورت یک رابطه غیر خطی ارائه شود. این مدل‌ها در واقع تعمیم مدل‌های راش و مدل‌های دوارزشی و نوعی مدل اندازه‌گیری است و در زمینه‌هایی به کار می‌رود که هدف از آن اندازه‌گیری صفت یا توانایی از طریق فرایندی است که در آن پاسخ به پرسش‌ها با اعداد صحیح متوالی نمره‌گذاری می‌شود. این مدل‌ها را می‌توان در مقیاس‌های لیکرت و درجه‌بندی به کار برد (امبرتسون و رایس، ۲۰۰۰؛ ترجمه شریفی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۳۳). تردیدی نیست که آزمون‌ها، مقیاس‌های درجه‌بندی شده، پرسشنامه‌ها و سایر ابزارهای اندازه‌گیری از ضروریات زندگی روزانه است. بسیاری از افراد حتی از هنگام تولد نیز مورد سنجش قرار می‌گیرند و ویژگی‌های گوناگون روانی و تربیتی آنان در گستره رشد و تحول بارها به‌صورت دوره‌ای و منظم ارزیابی می‌شود. نتایج این اندازه‌گیری‌ها در تصمیم‌گیری در مورد افراد کاربرد گسترده‌ای دارد. دستیابی به این مهم ضرورت اعتباریابی ابزار شناخت را ایجاد می‌کند و استفاده از نظریه‌های جدید اندازه‌گیری می‌تواند ما را در رسیدن به این اهداف یاری کند. با توجه به کاربردهای عملی پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری، تجزیه و تحلیل و بررسی خصوصیات روان‌سنجی این ابزار با استفاده از نظریه سؤال-پاسخ، کارایی این ابزار را افزایش می‌دهد. نظریه سؤال-پاسخ به‌عنوان یک روش مناسب برای ارزیابی ابزارهای روان‌شناسی است که می‌تواند کمبودها و نارسایی‌های روش‌های متکی بر نظریه کلاسیک آزمون را جبران کند. لذا در پژوهش حاضر با استفاده از مدل‌های IRT، ویژگی‌های روان‌سنجی سؤال‌های پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بین مادران دانش‌آموزان دختر و پسر شهر تهران در سال تحصیلی ۹۵ - ۹۴ بررسی شده است. این پژوهش در پی پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

۱. کدامیک از مدل‌های نظریه سؤال- پاسخ با سؤال‌های پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری برازش دارد؟
۲. میزان مطلوبیت سؤال‌های پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری چگونه است؟

### روش پژوهش

این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع و اهداف آن یک تحقیق توصیفی بر اساس روش‌های روان‌سنجی است. این پژوهش به دنبال تعیین میزان مطلوبیت و شناسایی پرسش‌های نامناسب پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری با استفاده از رویکرد نظریه سؤال- پاسخ بوده است. جامعه آماری پژوهش، مادران دانش‌آموزان پسر و دختر مقطع ابتدایی مدرسه‌های دولتی مناطق ۱۹ گانه شهر تهران در سال تحصیلی ۹۵-۹۴، به تعداد ۴۹۴۹۷۲ نفر بوده است. حجم نمونه را ۵۷۶ نفر تشکیل داده‌اند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. در گردآوری اطلاعات از نسخه فارسی پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند استفاده شد. این ابزار اکتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه بامریند (۱۹۷۱) از آزادگذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین، برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط است. پرسشنامه برحسب طیف لیکرت با مقیاس ۵ درجه‌ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، تقریباً مخالفم، موافقم، کاملاً موافقم) مشخص و به ترتیب از ۴ - ۰ نمره‌گذاری شده است. با جمع نمره‌ها، ۳ نمره مجزا در مورد هر یک از خرده مقیاس‌های آزادگذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی به دست می‌آید. اسفندیاری (۱۳۷۴) پژوهشی با عنوان "مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران در دو گروه کودکان مبتلا به اختلال رفتار و تأثیر آموزش مادران در کاهش اختلال رفتاری" اجرا کرد. وی پرسشنامه اصلی بامریند را ترجمه کرد و برای تعیین روایی صوری آن، با نظر متخصصان و صاحب‌نظران روان‌شناسی اصلاحات لازم را به عمل آورد و گویه‌های دیگری نیز به آن افزود. میزان پایایی برای روش سهل‌گیرانه ۰/۶۹، روش مستبدانه ۰/۷۷ و روش مقتدرانه ۰/۷۳ به دست آمد (اسفندیاری، ۱۳۷۴، ۷۹) برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از پرسشنامه، از بسته eRm و ltm و نرم‌افزار R برای ترسیم برخی از نمودارها از نرم‌افزار MODFIT استفاده شد.

## یافته‌ها

در برازش مدل‌ها و برآورد پارامتر سؤال‌های پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بر اساس نظریه سؤال- پاسخ، از بسط مدل یک‌پارامتری (مدل امتیاز پاره‌ای) و بسط مدل دوپارامتری (مدل پاسخ مدرج) که از مدل‌های چند ارزشی نظریه سؤال- پاسخ هستند، استفاده شد. برازش مدل و برآورد پارامتر سؤال‌های پرسشنامه، برای هر یک از خرده مقیاس‌ها، جداگانه انجام گرفت.

در جدول (۱) مقدار آماره  $G^2-2LL$  در مدل PCM با استفاده از بسته eRm و در مدل GRM با استفاده از بسته ltm در نرم‌افزار R و تفاوت بین  $G^2-2LL$  نشان داده است. نتایج حاکی از آن است که مدل GRM با سؤال‌های پرسشنامه برازش بهتری دارد.

جدول (۱) مقایسه مدل PCM و GRM در سؤال‌های پرسشنامه به تفکیک خرده‌مقیاس‌ها

تفاوت بین $G^2-2LL$ مدل‌ها	مقدار آماره $G^2-2LL$		خرده‌مقیاس
	PCM	GRM	
$G^2_{grm} - G^2_{pcm}$			
۱۶۳۷/۳۷۷	-۷۳۰۰/۱۱۴	-۵۶۶۲/۷۳۷	شیوه آزادگذار
۱۴۹۰/۱۵۴	-۵۰۸۱/۳۲۲	-۳۵۹۱/۱۶۸	شیوه اقتدار منطقی
۱۷۸۶/۸۵۶	-۷۴۲۶/۳۲۷	-۵۶۳۹/۴۷۱	شیوه استبدادی

همچنین ماتریس‌های باقیمانده در برازش دوتایی پرسش‌ها طبق جدول‌های (۲)، (۳) و (۴) در مدل پاسخ مدرج حاکی از آن است که همه پرسش‌ها به غیر از پرسش (۲۴) از شیوه آزادگذار با مدل پاسخ مدرج، برازش دارند.





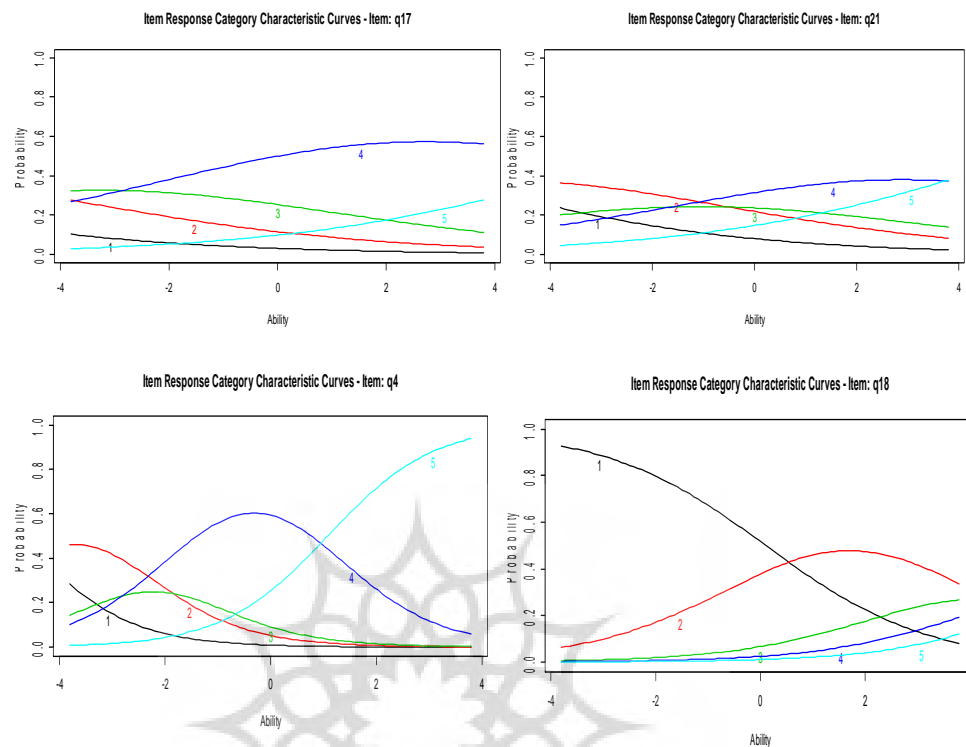
جدول (۴) برون‌داد برنامه R برای برآورد برازش پرسش‌های شیوه استبدادی

	q۲	q۳	q۷	q۹	q۱۲	q۱۶	q۱۸	q۲۵	q۲۶	q۲۹
q۲	-	۴۲/۱۱	۲۳/۱۴	۳۰/۰۴	۲۸/۶۹	۲۰/۳۸	۳۷/۹۷	۳۲/۳۳	۲۸/۵۵	۳۴/۶۴
q۳		-	۲۵/۳۰	۲۳/۹۶	۳۵/۴۳	۷۳/۳۹	۳۵/۷۴	۴۰/۱۳	۳۶/۴۲	۲۷/۶۰
q۷			-	۶۱/۹۷	۳۰/۲۵	۵۱/۹۰	۳۳/۷۵	۱۵/۱۸	۱۸/۴۰	۳۷/۵۰
q۹				-	۳۱/۳۳	۵۷/۹۶	۳۰/۰۶	۳۲/۶۹	۲۸/۱۷	۵۷/۱۷
q۱۲					-	۳۲/۰۴	۲۳/۴۹	۳۳/۳۰	۳۷/۲۱	۶۰/۱۸
q۱۶						-	۴۶/۰۴	۴۴/۸۷	۳۷/۳۹	۲۴/۷۰
q۱۸							-	۶۴/۷۰	۴۰/۷۵	۵۰/۱۵
q۲۵								-	۶۲/۳۴	۵۴/۴۴
q۲۶									-	۵۵/۸۵
q۲۹										-

جدول (۵)، پارامترهای برآورد شده برای سؤال‌های پرسشنامه را به تفکیک خرده مقیاس‌ها در مدل پاسخ مدرج نشان می‌دهد. درون هر ماده، پارامتر ضریب تشخیص و پارامتر آستانه‌های بین طبقه‌ای ملاحظه می‌شود. پرسش‌های (۱۷، ۲۱، ۴ و ۱۸) دارای ضریب تشخیص پایین هستند. منحنی‌های ویژگی پرسش، تأییدی بر این ادعاست.

جدول (۵) پارامترهای برآورد شده برای مدل پاسخ مدرج به تفکیک خرده‌مقیاس‌ها

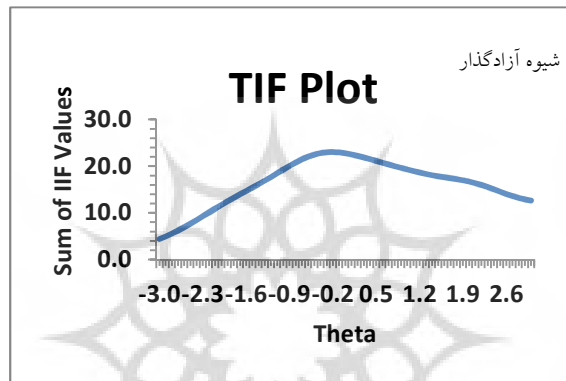
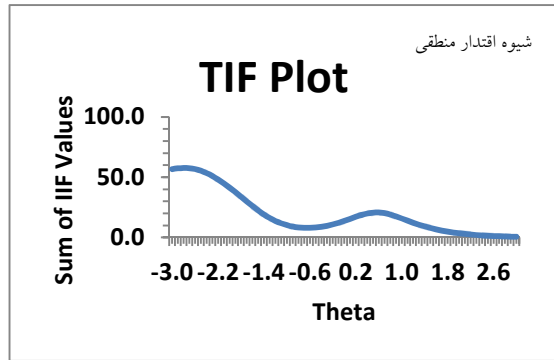
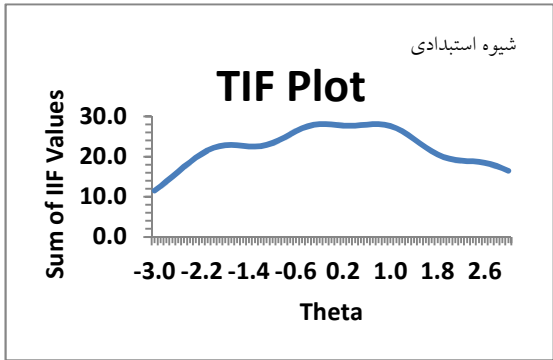
خرده‌مقیاس	پرسش	$\alpha$	$\beta_1$	$\beta_2$	$\beta_3$	$\beta_4$
شیوه آزادگذار	۱	۰/۹۵	-۱/۱۹	۰/۷۱	۳/۹۳	۵/۷۳
	۶	۰/۸۶	-۰/۸۰	۱/۴۷	۳/۱۸	۵/۲۱
	۱۰	۱/۰۸	-۱/۸۷	۰/۰۰	۱/۷۱	۳/۶۰
	۱۳	۱/۰۳	-۰/۱۶	۲/۰۲	۳/۰۷	۴/۶۱
	۱۴	۰/۹۶	-۱/۹۳	۰/۲۳	۱/۳۶	۳/۶۷
	۱۷	۰/۳۳	-۱۰/۳۲	-۵/۲۸	-۱/۲۰	۶/۶۷
	۱۹	۱/۱۵	۰/۰۳	۱/۸۷	۳/۱۶	۴/۱۸
	۲۱	۰/۳۳	-۷/۳۱	-۲/۵۵	۰/۴۵	۵/۲۷
	۲۴	۰/۱۲	-۲۴/۵۸	-۱۴/۷۸	-۴/۷۷	۱۵/۱۵
	۲۸	۱/۳۳	-۰/۶۴	۰/۹۰	۲/۲۴	۳/۶۹
شیوه اقتدار منطقی	۴	۱/۰۰	-۴/۷۲	-۲/۷۲	-۱/۷۰	۱/۰۷
	۵	۱/۳۵	-۴/۱۸	-۳/۱۶	-۲/۷۶	۰/۱۵
	۸	۱/۰۹	-۴/۱۱	-۳/۳۷	-۲/۷۶	۰/۵۶
	۱۱	۱/۰۵	-۵/۲۲	-۳/۵۸	-۲/۸۸	۰/۱۹
	۱۵	۱/۳۶	-۳/۷۱	-۲/۶۸	-۲/۱۵	۰/۴۲
	۲۰	۱/۹۹	-۲/۶۶	-۲/۲۱	-۱/۹۳	۰/۴۷
	۲۲	۱/۴۵	-۳/۳۳	-۲/۴۶	-۱/۸۶	۰/۸۷
	۲۳	۱/۹۸	-۳/۲۸	-۲/۹۰	-۲/۴۷	۰/۵۱
	۲۷	۱/۵۶	-۳/۵۰	-۲/۶۴	-۲/۲۵	۰/۰۰
	۳۰	۱/۰۴	-۴/۸۳	-۳/۶۸	-۲/۸۰	۰/۹۳
شیوه استبدادی	۲	۱/۳۳	۰/۸۹	۱/۱۲	۲/۴۷	۳/۹۸
	۳	۰/۸۷	-۰/۴۴	۱/۸۹	۳/۱۰	۴/۷۴
	۷	۱/۱۴	-۲/۱۶	-۰/۳۹	۰/۸۹	۲/۶۰
	۹	۱/۴۸	-۱/۸۲	-۰/۳۰	۰/۸۵	۲/۴۲
	۱۲	۰/۸۵	-۳/۲۹	-۱/۳۴	۰/۰۳	۲/۴۴
	۱۶	۱/۱۸	-۰/۵۳	۱/۴۲	۳/۰۱	۴/۱۰
	۱۸	۰/۶۵	-۰/۱۰	۳/۲۹	۴/۹۹	۶/۸۲
	۲۵	۱/۱۳	۰/۵۳	۰/۸۱	۱/۶۸	۳/۲۶
	۲۶	۱/۰۶	-۲/۶۴	-۰/۹۹	۰/۲۰	۲/۴۳
	۲۹	۱/۱۲	-۲/۲۲	-۰/۶۲	۰/۵۹	۲/۸۰



نمودار (۱) منحنی‌های ویژگی پرسش‌های نامناسب در مدل پاسخ مدرج

نمودارهای مربوط به منحنی آگاهی خرده‌مقیاس‌ها در مدل پاسخ مدرج، با استفاده از نرم‌افزار MODFIT در نمودار (۲) نشان می‌دهد که صفت زیربنایی آزمودنی‌ها در خرده‌مقیاس شیوه اقتدار منطقی و شیوه استبدادی، با دقت نسبتاً خوب و در شیوه آزاد‌گذار، نسبتاً ضعیف ارزیابی می‌شود.

پژوهشگاه ملی مطالعات تربیتی  
رتال جامع علوم انسانی



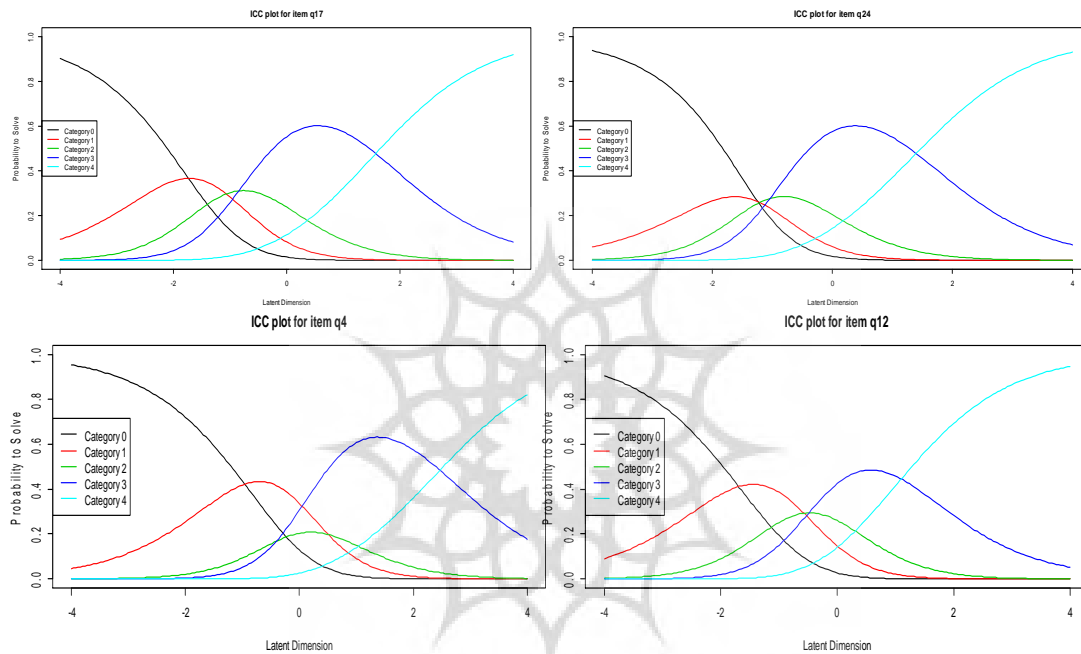
نمودار (۲) منحنی آگاهی خرده‌مقیاس‌ها در مدل پاسخ مدرج

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

جدول (۶) پارامترهای برآورد شده برای مدل امتیاز پاره‌ای به تفکیک خرده‌مقیاس‌ها

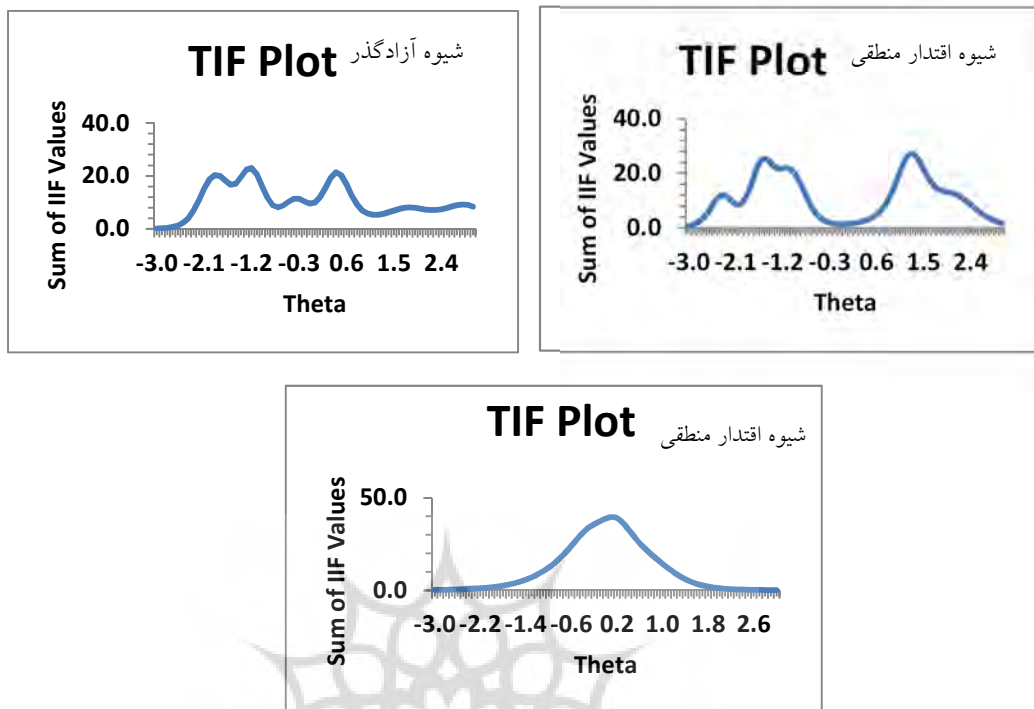
PVALUE	DF	$\chi^2$	$\delta$	$\delta$	$\delta$	$\delta$	پرسش	خرده مقیاس
۰/۹۶	۵۷۵	۵۱۶/۱۹	-۴/۱۵	-۲/۰۵	۰/۵۳	۰/۵۴	۱	شیوه آزادگذار
۰/۹۶	۵۷۵	۵۱۵/۳۰	-۳/۱۱	-۱/۳۸	-۰/۴۱	۰/۳۳	۶	
۰/۹۸	۵۷۵	۵۰۲/۰۰	-۱/۲۲	۰/۴۳	۱/۲۳	۱/۱۰	۱۰	
۰/۷۱	۵۷۵	۵۵۵/۶۲	-۳/۶۶	-۲/۰۸	-۱/۴۲	۰/۰۲	۱۳	
۰/۹۴	۵۷۵	۵۲۱/۶۴	-۱/۰۰	۰/۷۵	۰/۷۴	۱/۱۵	۱۴	
۰/۷۶	۵۷۵	۵۵۰/۶۶	۲/۰۶	۳/۶۳	۲/۷۹	۱/۷۳	۱۷	
۰/۹۹	۵۷۵	۴۹۲/۳۶	-۳/۸۲	-۲/۷۲	-۱/۳۶	-۰/۱۹	۱۹	
۰/۳۶	۵۷۵	۵۸۶/۳۱	۱/۳۸	۲/۱۱	۱/۶۷	۱/۳۴	۲۱	
۰/۰۶	۵۷۵	۶۲۶/۰۲	۲/۰۹	۳/۴۸	۲/۴۵	۱/۲۴	۲۴	
۱/۰۰	۵۷۵	۴۴۲/۸۳	-۳/۰۶	-۱/۳۳	-۰/۱۹	۰/۳۲	۲۸	
۰/۰۶	۵۶۳	۶۱۴/۵۵	-۱/۶۱	۰/۸۵	۰/۴۵	۰/۹۵	۴	شیوه اقتدار منطقی
۰/۹۷	۵۶۳	۵۰۰/۰۴	-۰/۰۲	۱/۶۴	-۰/۶۶	۰/۳۱	۵	
۰/۰۰	۵۶۳	۷۵۰/۶۶	-۱/۲۹	۰/۸۰	-۰/۸۷	-۰/۴۶	۸	
۰/۰۲	۵۶۳	۶۳۱/۲۸۷	۰/۱۳	۱/۷۹	۰/۲۲	-۰/۸۷	۱۱	
۰/۹۹	۵۶۳	۴۶۵/۶۰۱	-۰/۸۹	۱/۰۷	-۰/۴۱	۰/۲۸	۱۵	
۰/۹۹	۵۶۳	۴۶۹/۴۱۱	-۱/۵۶	۰/۶۴	-۱/۳۵	-۰/۵۷	۲۰	
۰/۴۶	۵۶۳	۵۶۵/۵۵	-۱/۸۲	۰/۷۷	-۰/۴۱	۰/۰۲	۲۲	
۱/۰۰	۵۶۳	۴۳۳/۷۱	-۰/۴۳	۱/۸۶	-۰/۷۴	-۰/۷۶	۲۳	
۱/۰۰	۵۶۳	۴۳۸/۵۷	-۰/۳۰	۱/۱۴	-۰/۶۴	۰/۲۳	۲۷	
۰/۰۴	۵۶۳	۶۲۰/۲۷	-۰/۹۲	۱/۵۳	-۰/۰۵	۰/۱۷	۳۰	
۱/۰۰	۵۷۲	۴۵۳/۹۰	-۳/۶۰	-۱/۵۵	-۰/۱۹	۰/۸۱	۲	شیوه استبدادی
۰/۲۸	۵۷۲	۵۹۱/۲۴	-۳/۴۲	-۱/۹۱	-۱/۱۰	۰/۲۰	۳	
۰/۸۲	۵۷۲	۵۳۹/۷۷	۰/۱۷	۱/۴۹	۱/۷۲	۱/۵۲	۷	
۱/۰۰	۵۷۲	۴۶۴/۵۶	-۰/۱۴	۱/۴۴	۱/۷۴	۱/۵۰	۹	
۰/۲۰	۵۷۲	۵۹۹/۱۱	۱/۶۴	۲/۷۴	۲/۲۶	۱/۶۹	۱۲	
۰/۹۸	۵۷۲	۵۰۲/۷۰	-۳/۷۷	-۲/۴۲	-۰/۶۳	۰/۳۷	۱۶	
۰/۴۰	۵۷۲	۵۷۹/۳۶	-۴/۴۷	-۳/۰۳	-۱/۸۰	-۰/۱۴	۱۸	
۰/۹۹	۵۷۲	۴۹۵/۶۶	-۲/۳۵	-۰/۸۲	-۰/۵۶	۰/۷۵	۲۵	
۰/۸۶	۵۷۲	۵۳۴/۸۸	۱/۱۳	-۲/۵۶	۲/۱۲	۱/۶۰	۲۶	
۰/۸۷	۵۷۲	۵۳۳/۶۱	۰/۱۳	۱/۸۵	۱/۷۳	۱/۳۹	۲۹	

جدول (۶)، پارامترهای برآورد شده برای سؤال‌های پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری را به تفکیک خرده‌مقیاس‌ها در مدل امتیاز پاره‌ای، با استفاده از بسته eRm در نرم‌افزار R نشان می‌دهد. درون هر ماده، پارامترهای تقاطع (دشواری نسبی) پرسش‌ها و شاخص‌های آماری مربوط به برازش مجذور کای ملاحظه می‌شود. در بعضی از پرسش‌ها، پارامترهای تقاطع، مرتب نیستند و پدیده وارونگی رخ داده است.



نمودار (۳) منحنی‌های ویژگی پرسش‌های دارای وارونگی در مدل امتیاز پاره‌ای

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار (۴) منحنی آگاهی خرده‌مقیاس‌ها در مدل امتیاز پاره‌ای

### نتیجه‌گیری

امروزه آزمون‌ها به‌طور گسترده‌ای در مدرسه‌ها، کلینیک‌های مشاوره و روان‌درمانی و دیگر موقعیت‌های اجتماعی کاربرد دارند. در این میان آزمون‌های شخصیت و نگرش در حوزه روان‌شناسی و علوم تربیتی، تفاوت‌های فردی را از نظر ویژگی‌های شخصیتی اندازه‌گیری می‌کنند. آنچه در تصمیم‌گیری‌های فردی اهمیت دارد کاهش خطاهای اندازه‌گیری است که با انتخاب یک مقیاس روا امکان‌پذیر است (دلاور و زهراکار، ۱۳۹۲).

پژوهش حاضر به‌منظور تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری، بر اساس رویکرد IRT بین مادران دانش‌آموزان دختر و پسر دوره ابتدایی شهر تهران صورت گرفت. در تجزیه و تحلیل پرسش‌ها بر آن بودیم که پرسش‌های نامناسب از پرسش‌های مناسب تشخیص داده شود. ابتدا برای انتخاب



مدل مناسب، از بین مدل پاسخ مدرج و مدل امتیاز پاره‌ای، با استفاده از نرم‌افزار R برای هر یک از خرده‌مقیاس‌ها به‌طور جداگانه، آماره نسبت درست‌نمایی  $G^2$  محاسبه شد. تفاضل بین آماره  $G^2$  در دو مدل، دارای توزیع  $\chi^2$  دو است و درجات آزادی آن برابر با تفاضل بین تعداد پارامترها در مدل کامل با مدل کاهش یافته است. طبق نتایج جدول (۱)، در درجه آزادی ۳۰ اندازه مجذور کای بسیار نامحتمل است، بنابراین مدل پاسخ مدرج در خرده‌مقیاس‌ها به‌گونه معنی‌داری برانده‌تر از مدل امتیاز پاره‌ای است. لازم به ذکر است که تفاوت‌های بزرگ و معنی‌دار در آماره توزیع مجذور  $\chi^2$  نشان می‌دهد که اعمال محدودیت‌ها (ثابت نگاه داشتن ضریب تشخیص پرسش‌ها موجب بدتر شدن برازش مدل می‌شود (امبرتسون و رایس، ۲۰۰۰؛ ترجمه شریفی و همکاران، ۱۳۸۸، ۳۰۲).

همچنین طبق جدول‌های (۲، ۳ و ۴) ماتریس‌های باقیمانده در برازش دوتایی پرسش‌ها در مدل پاسخ مدرج نشان داد که همه پرسش‌ها به غیر از پرسش (۲۴) از شیوه آزادگذار، با مدل پاسخ مدرج، برازش داشته‌اند و نتایج مجذور کای تک‌تک پرسش‌ها در مدل امتیاز پاره‌ای طبق جدول (۵) حاکی از آن بود که پرسش‌های (۸ و ۱۱) از شیوه اقتدار منطقی، با ارزش  $P$  کمتر از ۰/۰۵ با مدل امتیاز پاره‌ای برازش نداشته‌اند.

پس از اینکه مشخص شد کدام مدل، بهترین برازش را با سؤال‌های پرسشنامه دارد، به‌منظور برآورد پارامترهای پرسش‌ها (سطح دشواری و ضریب تشخیص)، با استفاده از نرم‌افزار R پرسش‌های هر کدام از خرده‌مقیاس‌ها به‌طور جداگانه، تحلیل و منحنی ویژگی هر یک از پرسش‌ها و منحنی آگاهی و خطای استاندارد هر یک از خرده‌آزمون‌ها ترسیم شد. یافته‌ها طبق جدول (۵) در مدل پاسخ مدرج، حاکی از آن بود که  $1\beta$  احتمال پاسخ ۰ در مقابل ۱ و ۲ و ۳ و ۴،  $2\beta$  احتمال پاسخ ۰ و ۱ در مقابل ۲ و ۳ و ۴،  $3\beta$  احتمال پاسخ ۰ و ۱ و ۲ در مقابل ۳ و ۴،  $4\beta$  احتمال پاسخ ۰ و ۱ و ۲ در مقابل ۳ و ۴ است. ضرایب دشواری که به آن پارامترهای آستانه بین طبقه‌ای گفته می‌شود، در دامنه صفت، پراکندگی خوبی داشته‌اند و درون هر ماده دارای نظم بوده‌اند. در بعضی از پرسش‌ها مانند (۱۷، ۲۱، ۲۴) در شیوه آزادگذار و پرسش‌های (۳، ۱۸) در شیوه استبدادی، اولین و آخرین پارامترهای آستانه بین طبقه‌ای خوب برآورد نشده‌اند. علت آن است که گزینه‌های انتهایی را معدودی از آزمودنی‌ها انتخاب کرده‌اند. بررسی منحنی‌های ویژگی پرسش نیز تأییدی بر این ادعا بود و طبقه‌های

پاسخ در بیشتر سؤال‌های پرسشنامه به غیر از پرسش‌های (۱۷ و ۲۱) از شیوه آزادگذار، پرسش‌های (۴ و ۱۱) از شیوه اقتدار منطقی، پرسش‌های (۱۲ و ۱۸) از شیوه استبدادی، تفاوت سطوح صفت را به صورت نسبتاً خوبی مشخص کردند.

بالاترین شیب یا ضریب تشخیص، مربوط به پرسش‌های (۱۰، ۱۳، ۱۹ و ۲۸) از شیوه آزادگذار، پرسش‌های (۲۰ و ۲۳) از شیوه اقتدار منطقی، پرسش‌های (۲ و ۱۶) از شیوه استبدادی و کمترین شیب یا ضریب تشخیص مربوط به پرسش‌های (۱۷ و ۲۱) از شیوه آزادگذار، پرسش‌های (۴ و ۱۱) از شیوه اقتدار منطقی، پرسش‌های (۳ و ۱۸) از شیوه استبدادی بود. بررسی منحنی‌های آگاهی پرسش نیز این ادعا را تأیید کرد. پرسش (۲۸) در دامنه ۳-۱/۸ صفت مکنون دارای بیشترین میزان آگاهی، پرسش (۲۰) در دامنه ۱/۶-۰/۲ صفت مکنون دارای بالاترین میزان آگاهی و پرسش (۲) در دامنه ۳-۱/۸ بیشترین میزان آگاهی را داشته‌اند.

همچنین طبق نمودار (۲) منحنی آگاهی خرده‌مقیاس شیوه آزادگذار، در دامنه ۰/۲- تا ۱/۹ بیشترین میزان آگاهی، شیوه اقتدار منطقی، در دامنه ۲/۳- تا ۳- و دامنه ۰/۵ تا ۱/۲ بیشترین میزان آگاهی و شیوه استبدادی، در دامنه ۰/۲ تا ۱/۲ و در دامنه ۱- تا ۲/۴- بیشترین میزان آگاهی را فراهم کردند. نتایج این بررسی نشان داد خرده‌مقیاس شیوه اقتدار منطقی، آگاهی بهتری را در اختیار آزمودنی‌ها قرار داده است.

به‌طور کلی در مدل پاسخ مدرج، پرسش‌های (۱۷ و ۲۱) از شیوه آزادگذار، پرسش‌های (۴ و ۸) از شیوه اقتدار منطقی و پرسش‌های (۱۲ و ۱۸) از شیوه استبدادی، از میزان مطلوبیت مناسبی برخوردار نبودند.

همچنین یافته‌ها در مدل امتیاز پاره‌ای طبق جدول (۶) نشانگر آن بود که با توجه به اینکه سؤال‌های این پرسشنامه دارای پنج طبقه پاسخ است، چهار مرحله دشواری (تقاطع) وجود دارد و سطح دشواری پرسش‌ها از مرحله یک تا مرحله چهارم تغییر می‌کند. ۱۵ دشواری نسبی مرحله اول، ۲۵ دشواری نسبی مرحله دوم، ۳۵ دشواری نسبی مرحله سوم، ۴۵ دشواری نسبی مرحله چهارم است. در بعضی از پرسش‌ها پارامترهای تقاطع، مرتب نبودند و پدیده وارونگی رخ داد. با فرض اینکه، در مدل امتیاز پاره‌ای، شیب پرسش‌ها یکسان و برابر یک است، پارامترهای تقاطع (دشواری نسبی) در هر مرحله از پرسش‌ها بررسی شد.

همان‌طور که مشاهده شد در پرسش‌های مربوط به شیوه آزادگذار، به غیر از پرسش‌های (۱۷، ۲۱ و ۲۴) که دشواری نسبی مرحله سوم را نشان داد و پدیده

وارونگی در آنها رخ داد، در بقیه پرسش‌ها، انتقال از مرحله‌ای به مرحله دیگر برای آزمودنی‌ها نسبتاً آسان بود. در پرسش‌های مربوط به شیوه اقتدار منطقی، پدیده وارونگی در همه پرسش‌ها رخ داد و پرسش (۴) دشواری نسبی مرحله اول و سوم و بقیه پرسش‌ها دشواری نسبی مرحله سوم را نشان دادند. انتقال از مرحله سوم به چهارم برای آزمودنی‌ها نسبتاً آسان بود. در پرسش‌های مربوط به شیوه استبدادی، پدیده وارونگی در پرسش‌های (۷، ۹، ۱۲، ۲۶ و ۲۹) رخ داد. پرسش‌های (۲، ۳، ۱۶، ۱۸ و ۲۵) دشواری نسبی مرحله اول، پرسش‌های (۷ و ۹) دشواری نسبی مرحله دوم و پرسش‌های (۱۲، ۲۶ و ۲۹) دشواری نسبی مرحله دوم و سوم را نشان دادند و انتقال از مرحله سوم به چهارم برای آزمودنی‌ها آسان بود. منحنی‌های ویژگی پرسش‌ها نیز تأییدی بر این ادعاست.

همچنین طبق نمودار (۴) منحنی تابع آگاهی خرده‌مقیاس شیوه آزادگذار، در دامنه ۱/۶- تا ۲/۳- و دامنه ۰/۲- تا ۰/۵ بیشترین میزان آگاهی، شیوه اقتدار منطقی، در دامنه ۱/۶- تا ۱/۲ بیشترین میزان آگاهی و شیوه استبدادی، در دامنه ۰/۹- تا ۱/۶- و دامنه ۱/۲ تا ۱/۸ بیشترین میزان آگاهی را فراهم کرد.

به‌طور کلی در مدل امتیاز پاره‌ای، پرسش‌های (۱۷، ۲۱ و ۲۴) از شیوه آزادگذار، پرسش (۴) از شیوه اقتدار منطقی و پرسش‌های (۱۲، ۲۶ و ۲۹) از شیوه استبدادی، میزان مطلوبیت پایینی داشتند.

نتایج برآورد پارامترها و منحنی‌های ویژگی پرسش در مدل پاسخ مدرج و مدل امتیاز پاره‌ای نشان داد، سؤال‌های نامناسب این پرسشنامه، پرسش‌های (۱۷، ۲۱ و ۲۴) از شیوه آزادگذار، پرسش‌های (۴ و ۱۱) از شیوه اقتدار منطقی و پرسش‌های (۱۲ و ۱۸) از شیوه استبدادی، میزان مطلوبیت پایینی داشتند و نیاز به بازبینی دارند. سؤال‌های مناسب این پرسشنامه، پرسش‌های (۱۰، ۱۳، ۱۹ و ۲۸) از شیوه آزادگذار، پرسش‌های (۲۰ و ۲۳) از شیوه اقتدار منطقی و پرسش‌های (۲ و ۱۶) از شیوه استبدادی دارای میزان مطلوبیت مناسب بوده‌اند و این پرسش‌ها عینی‌تر و بیشتر قابل درک هستند.

## منابع

- احدی، حسن و نیک‌چهره، محسن (۱۳۸۶). روان‌شناسی رشد: مفاهیم بنیادی در روان‌شناسی نوجوانی و جوانی. تهران: پردیس.
- اسفندیاری، غلامرضا (۱۳۷۴). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران در دو گروه کودکان مبتلا به اختلال رفتار و تأثیر آموزش مادران در کاهش اختلال رفتاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انستیتوی تحقیقات روان‌پزشکی تهران.
- امبرتسون، سوزان ای. و رایس، استیون پی. (۲۰۰۰). نظریه‌های جدید روان‌سنجی برای روان‌شناسان (IRT)؛ ترجمه حسن پاشا شریفی، ولی‌الله فرزاد، مجتبی حبیبی عسگرآباد و بلال ایزانلو (۱۳۸۸). تهران: انتشارات رشد.
- دلور، علی و زهراکار، کیانوش (۱۳۹۲). سنجش و اندازه‌گیری در روان‌شناسی، مشاوره و علوم تربیتی. تهران: ارسباران.
- شریعتمداری، هدایت‌الله (۱۳۸۴). روان‌شناسی اجتماعی. تهران: آوای نور.
- کارول، براون (۲۰۰۸). روان‌شناسی رشد؛ ترجمه مهناز علی‌اکبری (۱۳۸۳). تهران: روان.
- فراهینی، ندا؛ افروز، غلامعلی و رسول‌زاده طباطبایی، سیدکاظم (۱۳۹۲). رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین و کمرویی با خلاقیت در تیزهوشان. فصلنامه روان‌شناسی مدرسه، ۲ (۴)، ۱۳۷ - ۱۵۳.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۵). روان‌شناسی رشد (جلد دوم). تهران: سمت.
- نیک‌زاد، سپیده (۱۳۹۵). ویژگی‌های روان‌سنجی سؤالات پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری با استفاده از دو رویکرد تحلیل عاملی تأییدی و نظریه سؤال-پاسخ. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- هومن، حیدر علی (۱۳۸۶). اندازه‌گیری‌های روانی و تربیتی. تهران: پارسا.
- Baumrind, Diana (1971). Current Patters of Parental authority, *DeveloPmental Psychology MonograPh*, 4, 1-130.
- Campione, Smetana & Nicole., Judith (2014). Parenting Styles. *Journal of Research on Adolescence*. Retrieved 22 October 2014, 206-214.
- Hossain, Alkharusi; Said, Aldhafri; Ali, Kazem; Abdulqawi, Alzubiadi & Muna, Al-Bahrani (2011). Development and validation of a short version of the Parental Authority Questionnaire. *Social Behavior*, 39 (9), 1193-1208.

Toston Hill, Michelle (2011). *Confirmatory and exploratory factor analysis of the parental authority questionnaire*. A thesis presented to the graduate school of the University of Florida in partial fulfillment of the requirements for the degree of master of arts in education, university of Florida.

